

## آزادی معنوی مقدس

عقل و آزادی هم از جمله بنیادی‌ترین مفاهیم معاصر و هم موجد چالش‌های فکری به‌ویژه در میان دو تمدن اسلام و غرب بوده‌اند...



عقل و آزادی هم از جمله بنیادی‌ترین مفاهیم معاصر و هم موجد چالش‌های فکری به‌ویژه در میان دو تمدن اسلام و غرب بوده‌اند. بررسی تحول و تطور مفهومی این دو اصل در غرب دوره مدرن حکایت از تحولات فلسفی و اجتماعی - سیاسی به‌ویژه پس از اصلاح و رفم دینی دارد. اعتبار این دو بنیاد با گسست معرفتی در غرب صورت پذیرفت در حالی که شالوده و سرشت اسلام بر عقلانیت و آزادی استوار بود. بدین سبب دو آموزه متفاوت در دو تمدن شکل گرفت و بر این اساس، عقل و آزادی یکی از نیرومندترین نزاع‌های فکری و تاریخی را در هردو تمدن سبب شده است. با این حال برای بررسی حد و عمق این چالش نیازمند مطالعات تطبیقی درخصوص تبیین چگونگی این دو مفهوم نزد اندیشمندان مسلمان و غربی هستیم. در این میان بر آن شدیم که در این مقاله به دیدگاه اندیشمند شهید؛ یعنی مرتضی مطهری در این باب بپردازیم.

شهید مطهری در دوره فقدان کارآمدی عقل و نقصان آزادی به‌سر می‌برد و می‌کوشید تا با بهره بردن از آموزه‌های شریعت، ارزش و بنیاد عقل را در جوهر دین هویدا سازد. تدوین اثر مسئله شناخت در سال (1356ش) و تأکید بر عقل به‌عنوان منبع شناخت، مقاله عقل و دل در مجموعه 20 گفتار (1335ش) و خاتمیت و عقل در دو اثر خاتمیت و وحی (1347ش) و نبوت (1357ش) از اهمیت خاص بررسی موضوع عقل نزد متفکر شهید مطهری حکایت دارد. گرچه تتبعات درخصوص عقل در اکثر آرای مطهری به چشم می‌خورد اما مسئله آزادی تنها در دو اثر وی یعنی «گفتارهای معنوی» و «عقل و 171#» مورد بررسی قرار گرفته است. مطهری عقل را منشأ آزادی دانسته و تمایلات عالی انسانی را با ادراک، فهم عقلی و اندیشه پیوند می‌زند. آنچه از پی می‌آید جملی است از اندیشه‌های استاد مطهری در این باب.

استاد مطهری عقل را زمانی به مفهوم آموختن و فراگرفتن علم و در جایی دیگر به معنای جداکننده و تمیزدهنده و در برخی مواقع، عقل را به معنای تفکر، استنتاج و تجزیه و تحلیل می‌داند. همچنین گاه عقل را یک نیروی غریزی و طبیعی برمی‌شمارد. وی عقل را به معنای علم و دانش نیز به کار برده و علم را «عقل مسموع» و عقل را «عقل مطبوع» نام نهاده است. شهید مطهری در بررسی زبان شناسیک، تمایل وافر دارد که عقل را به معنای مغز و لب به کار برده و تصریح می‌کند که در المنجد آمده که عقل خالص را لباً گویند؛ العقل الخالص من الشوائب فهو لباً.

مطهری معتقد است که قرآن زیباترین لغت و مفهوم را برای عقل به کار برده که همان تعبیر «عقل و 171#» است. نسبت عقل آدمی که باطن است با قوای ظاهری، نسبت مغز است به پوست. بنابراین عقل، جان و خالص آدمی و حقیقت هستی اوست و معنای انسان همان عقل انسان است علاوه بر مفهوم دینی، مطهری معنایی کارکردگرایانه از عقل به دست می‌دهد. وی علاوه بر آنکه عقل را بنیاد شناخت و فهم و دریافت حقایق اشیا معرفی می‌کند قدرت دخل و تصرف و تجزیه و تحلیل و گزینش استوار بر اندیشه را در مفهوم گوهری عقل جای داده است.

تعریف شهید مطهری از آزادی نیز تابعی از دسته‌بندی آن است. مطهری ابتدا آزادی را به معنوی و اجتماعی تقسیم کرده و آزادی معنوی را مفهوم بنیادین آزادی برمی‌شمارد و گاهی آزادی را به آزادگی و زمانی آن را به فقدان مانع تعریف می‌کند. انسان‌های آزاد نزد وی انسان‌هایی هستند که با موانعی که در جلوی رشد و تکاملشان است مبارزه می‌کنند. نزد مطهری آزادی اجتماعی با مفاهیم رهایی از بندگی و بردگی است که در پیوند با قوا و غرایز انسانی است اما آزادی معنوی در مفهوم تکامل و بالندگی است که با عقل و باطن و روح آدمی در مناسبت است.

مطهری در تقسیم‌بندی دیگر و با تقابل‌سازی در ساحت انسانی یعنی تن و نفس یا جسم و روح آزادی تن را در مقابل آزادی روح قرار داده و آزادگی را در این دسته‌بندی در دو مفهوم متفاوت «عقل و 171#» و «آزادگی» به کار می‌برد. مطهری تقسیم‌بندی خود را بر حکمت 128 نهج‌البلاغه استوار می‌کند: «والبناس فیها رجلان؛ رجلٌ باع نفسه فیها فابوقها و رجلٌ ابتاع نفسه فاعتقها؛ مردم دنیا دو دسته‌اند: دسته‌ای خود را در آن بفروشد پس خویش را هلاک گرداند و دسته‌ای خود را بخرد پس خود را برهاند.» نخستین گفتارهای مستقل مطهری درباره آزادی پس از طرح مباحث خاتمیت صورت می‌پذیرد.

استاد مطهری در سال 1347، 10 سخنرانی در حسینیه ارشاد درباره خاتمیت ایراد می‌کند. این دیدگاه به‌نظر برخی تحت‌تأثیر نظریه اقبال لاهوری در احیای فکر دینی در اسلام مطرح شد. شهید مطهری که به حکمرانی عقلانیت دینی در دوره مدرن بیش از تقسیم‌بندی اقبال علاقه نشان می‌دهد، رشد و بلوغ فکری و اجتماعی مسلمانان در دوره خاتمیت را بر 4 اصل (تحریف ناپذیری قرآن، برنامه تکاملی تدوین شده، عهده دار شدن ترویج و تبلیغ دین و اجتهاد) استوار می‌سازد و میان عقل دینی که عقل کنش است با عقل مستقل که توهم ختم دین را به جای ختم نبوت متبادر می‌سازد، تفکیک قائل می‌شود. به همین سبب با نقل گفتاری از علامه طباطبایی، حجیت کلام و عقلی را که تابع کلام نبی اکرم (ص) نباشد حتی کلام امامان معصوم (ع)، نفی می‌نماید.

مطهری همچون اقبال تصریح می‌کند که ما مسلمانان به سبب پذیرش بلوغ عقل و فکر، آزادترین مردمان هستیم. به همین سبب در بحث خاتمیت مرحوم مطهری دو مسئله اساسی یعنی عقل و اراده و آزادی را مورد بررسی قرار داده و به نوعی دوره جدید را سرزمین

عقل برمی شمارد که آزادی از ضروریات جدایی‌ناپذیر دوره عقل است.

یک سال پس از آن مطهری در 1348 در حسینیه ارشاد دو گفتار درباره آزادی ایراد می‌کند که خود آن را عنوان آزادی معنوی داده و در متن سخنرانی آزادی را در دو دسته آزادی معنوی و اجتماعی می‌گنجاند. تأمل در آثار مطهری روشن می‌سازد وی 4 معنی برای آزادی قائل است. معنی نخست را مفهوم دینی آزادی برمی‌شمارد، معنی دوم نزد وی در مفهوم طبیعی قرار می‌گیرد و آن را به معنی تکامل و رشد و گاهی از مؤلفه‌های بنیادین تکامل قلمداد می‌کند، معنی سوم را فقدان مانع می‌داند و آن را در حوزه سیاسی - اجتماعی قرار می‌دهد و بالاخره معنی چهارم آزادی نزد ایشان اختیار و اراده است.

### آزادی به مثابه تکامل

شهید مطهری آزادی را از لوازم طبیعی حیات و تکامل می‌داند. یکی از نیازمندی‌های موجود زنده، به اعتقاد او آزادی است. گرچه آزادی میان طبقات سه‌گانه موجودات مفهومی متفاوت دارد اما حسب طبیعت، ذات هر موجودی اقتضای رشد و تکامل دارد. از همین رو آزادی برای جمادات مفهوم ندارد. موجودات زنده برای رشد و تکامل به تربیت، امنیت و آزادی نیازمندند به همین سبب در اندیشه او دومین مفهوم از آزادی رویکرد طبیعی می‌یابد اما در عین حال مفهومی درون دینی است. مطهری در چند اثرش درباره انسان و تکامل او مسئله اختیار را طرح کرده و در تبیین آیات 2 و 3 سوره انسان تصریح می‌دارد که آدمی چون واجد حیثیت کمال است، خداوند او را آزاد و مختار آفریده و شایسته تکلیف و ابتلا دانسته و خطاب به انسان می‌فرماید: فجعلناه سمیعاً بصیراً، انا هدیناه السبیل (انسان/3) مطهری تأکید می‌کند که زیباتر و بهتر از این نمی‌توان آزادی و اختیار انسان و ریشه و مبنای آن را بیان کرد. شهید مطهری هشدار می‌دهد: آزادی در رویکرد طبیعی که از لوازم تکامل است متفاوت با انسان برخوردار از طبیعت در تعریف کمال انسان است. انگاره کامل‌ترین انسان برخوردارترین انسان از طبیعت، نگاهی مادی به آدمی است. آموزه دین براساس آیه 269 سوره بقره است که در آن میان کمال انسان و حکمت پیوند برقرار می‌سازد. مطهری در این پیوند عدالت، عقل و آزادی را گنجانده و به تبیین این مفاهیم و نوع مناسبت با کمال انسان می‌پردازد.

### انواع آزادی

محور اصلی تأملات استاد مطهری در تقسیم‌بندی آزادی، تفکر کلامی اوست. ایشان با روی آوردن به حکمت عملی، نظریه آزادی را صورت‌بندی می‌کند. تقسیم آزادی به آزادی معنوی و اجتماعی و ابتدای قسم دوم بر آزادی معنوی و مرکزیت بخشیدن غایات آزادی به اغراض شریعت، شالوده تفکرات مطهری را شکل می‌دهد. مطهری که در جست‌وجوی آموزه اثباتی دین است می‌کوشد تا مفاهیم نسبتاً مدرن مغرب زمین همچون آزادی، حقوق انسانی، حقوق بشر، آزادی اجتماعی (و احیاناً دموکراسی) را سازگار با شریعت نشان داده و بر اهمیت مفاهیم جدید در دین تأکید کند. این تلاش بی‌تردید مقرون با هشدارهای نظری اوست که در آن دین را در زمره غایات و این مفاهیم را بخشی از روش‌ها و گاهی ارزش‌ها در دست یافتن به قصد معنوی تلقی نماید.

شهید مطهری در انسان کامل عمدتاً از آزادی به‌عنوان ارزش نام برده و آن را یک ارزش بزرگ پنداشته و هم ردیف ارزش‌های دیگری همچون عقل، عشق، محبت، عدالت، خدمت و عبادت قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که تراکم همه ارزش‌ها در آزادی و فروکاستن آنها به این مفهوم قابل نقد و رد است. اما وی در گفتارهای معنوی بر روش بودن آزادی، خاصه آزادی‌های سیاسی - اجتماعی تأکید بیشتری دارد. و آن را یکی از ابزارهای سه‌گانه برای دست یافتن به هدف و غرضی به نام تکامل می‌داند.

مطهری با هدف بررسی آزادی دینی و آزادی عقلی و سازگاری بخشیدن این دو، آزادی را به آزادی معنوی و آزادی اجتماعی تقسیم می‌کند که موضوع اصلی بحث آزادی معنوی است. از نظر ایشان، انسان موجود خاصی است، زندگی اجتماعی است، یک موجود تکامل یافته‌ای است؛ از این‌رو نیازمند آزادی خاصی نیز است. مطهری آزادی معنوی را در مرحله اول رهایی انسان از قید و اسارت خود تعریف کرده و آن را نوع خاصی از آزادی (خاص نسبت به آزادی اجتماعی) تعریف می‌کند.

در مرحله دوم آن را در پیوند با آزادی عقل، آزادی فطرت و آزادی وجدان اخلاقی توصیف کرده و بالاخره در مقام سوم آزادی معنوی را به بالندگی، رشد وجودی و تعالی و تکامل نفس و عقل انسانی پیوند می‌دهد. مطهری تأکید می‌کند: آزادی معنوی را جز از طریق نبوت انبیا، دین و ایمان و کتاب‌های آسمانی نمی‌توان تأمین کرد؛ از این‌رو جوامع غیردینی در اندیشه وی تنها درصد تأمین آزادی اجتماعی بوده و از آزادی معنوی غفلت می‌ورزند. او با استناد به گفتاری از امیرالمؤمنین (ع) پایه و بنیاد دین را معرفت و شناخت خداوند دانسته و آن را مایه انسانیت و داخل در حقوق انسانی و شئون انسان‌ها نام برده و بدان عنوان «#171: اصول معنوی» می‌بخشد.

سرسلسله معنویات از جمله آزادی معنوی، خداشناسی است. این عناصر، بنیاد سعادت آدمی را شکل می‌بخشد به همین سبب است که دین در پرتو این اصول و بنیاد هم سعادت و مصالح و عدالت اجتماعی و هم رستگاری فردی را تأمین می‌کند. ابزار اصلی این شناخت و معرفت در دیدگاه مطهری عقل است. استاد مطهری ویژگی‌های آزادی معنوی را چنین می‌شمارد: 1- آزادی معنوی مقدس است. 2- آزادی معنوی، رهایی انسان از اسارت درون (شهوت، غضب، حرص، طمع، جاه‌طلبی و افزون‌طلبی) است. 3- آزادی معنوی آزادی وجدان و عقل انسانی است. 4- در زبان دین به آزادی معنوی «#171: تزکیه نفس» و «#171: تقوی» گفته می‌شود. 5- آزادی معنوی بدون ایمان حقیقی و تقوی تحقق نمی‌یابد. 6- آزادی معنوی با شرافت، انسانیت و عقل و وجدان انسان در پیوند است. 7- آزادی معنوی بزرگ‌ترین برنامه انبیا است.